

# بوی ماه دی

شب درون قباب پنجره  
در عبور ماه  
بای پای برف روشن است  
زیر نور ماه  
بوی پر تقال در اتاق  
شامگاه دی  
عطر گرم مهر مادر م  
بوی ماه دی  
لای عطرهای آشنا  
پر سه می زنم  
من به دست های مادر م  
بوسه می زنم

شیلان صلاح

## دست مهربان

رنگ و بوی پونه های پای کوه  
عطر بیدمشک ها  
سرفی تمشک ها  
بخشش سفید توت  
فوشه نیب تک  
برگ های سبز ترد  
راز با شکوه جنگل بلوط ...  
تابه یارشان می آورم  
تا عبور می کنند  
از برابر م  
سبز می شود  
جوانه می دهد  
در فیال من  
دست های مهربان مادر م

طاهره شهابی

## شعر ماه

تاستاره ها  
باختند شال نقره ای برای شب  
شب پر از ترانه های عاشقانه شد  
شعر ماه توی گوش پنجره  
چاودانه شد

معصومه مرادی

## پازل سپید

گنبد طلا  
در میان اطلس سپید بر ف  
دیدنی تر است  
موضها و فرشها  
صف به صف، رکوع و سطره‌های زائران  
زیر سایه بان ابر  
بوته‌ها و شافه‌های بر ف‌گیر  
هر کدام قبابی از قشنگی و شکوه  
هر کدام مثل تله‌های پازلی سپید  
مثل عکس‌های قاص و بی نظیر  
بوی فطرات تازه می‌دهند  
در چنین فضای شاعرانه‌ای  
نغمه‌نقاره‌ها  
ناله‌های دل‌شکسته‌ها  
ذکرها و عرف‌ها  
شنیدنی تر است

زهرا داوری

## گل باغ خوبی

پو فواهم با تو حال خود بگویم، جانمی یابم  
و گریه‌ها کنم جای تو را، تنها نمی‌یابم  
به جان و دل تو را چویم، اگر ناله پیش آیی  
ز شادی دست و پاگم می‌کنم خود را نمی‌یابم  
تعالی الله، چه گلزاری ست مس عالم اخروزت  
که گل در باغ خوبی چون رقت زیبا نمی‌یابم  
ندارد هیچ پروایی به حال زار مسکینان  
کسی را از بتان مثل تو بی پروا نمی‌یابم  
به کویت عاشقان مست اند، اما در ره عشقت  
بسان فسر و دیوانه شیرا نمی‌یابم

امیر خسرو دهلوی

### بیشتر بخوانیم

#### حرف آبی آخر

کتاب حاضر مجموعه‌ای از هجده شعر است برای نوجوانان. «پرنده بودن»، «مدادشعی بنفش»، «پارتی بازی» و «حرف آبی آخر» نام برخی از این شعرهاست. شعر اول از پرنده‌ای می‌گوید که می‌خواهد آواز جدیدش را برای درخت بخواند، اما... شعر دوم، داستان شمع و گل و پروانه است. شعر سوم درباره کارت قرمزی است که باید بازیکن بگیرد ولی کارت قرمز پارتی بازی می‌کند و... شعر آخر از خود کار آبی می‌گوید که هر شب حرف‌های دلش را برای دفتر می‌نوشت تا اینکه...



نام مجموعه: مجموعه شعر  
برای نوجوانان  
مؤلف: حسن تولائی  
سال چاپ: ۱۳۹۸  
ناشر: سروش  
تلفن: ۶۶۴۹۳۶۲۲

## رسیده

باز هم برایم از درخت گفت  
از تمام روزهای سفت گفت  
داستان خاک و آب  
بار و آفتاب

سبب من  
سرد و گرم روزگار را پیشیده بود  
زرد و سرخ  
کاملار رسیده بود

سعیده موسوی زاده